

# خلاقیت چیست؟

مفهومی که از خلاقیت به ذهن می‌رسد «ایده‌های نو و تازه» است، اما هرچیز نو نمی‌تواند خلاق باشد. پس در اغلب تعاریف خلاقیت، ارزشمندی و مناسب بودن نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. خلاقیت دارای سه بعد شناختی، انگیزشی و غیرشناختی است. ابعاد شناختی خلاقیت ناظر بر وجود تفکر واگرا در فرد است. فرد خلاق، صاحب ذهنی انعطاف‌پذیر است که توانمندی تولید ایده‌های بیشتری را دارد. ابعاد انگیزشی خلاقیت، ناظر به انگیزه درونی فرد است و او را برآن می‌دارد تا بدون آن که الزاماً پاداش بیرونی وجود داشته باشد، به شکل مستمر و پیگیر به کارهای مورد علاقه‌اش بپردازد. ابعاد غیرشناختی خلاقیت هم شامل ویژگی‌های خلاق در امور حرکتی، هنری و توانایی‌های خاصی است که در سطح افراد مشابه، کم‌تر می‌توان شاهد آن بود. اشاره شد که بعد شناختی، مبتنی بر تفکر واگرا است. تفکر واگرا تفکری است که برای یک سوال، پاسخ‌های متعددی ارائه می‌کند. مهم‌ترین ویژگی‌های تفکر واگرا عبارت است از:

- ۱) **سیالی:** توانایی برقراری رابطه معنی‌دار بین اندیشه و بیان، که افراد را قادر می‌سازد راه‌حل‌های متعددی را برای حل مساله ارائه کنند.
- ۲) **انعطاف پذیری:** توانایی فکر کردن به راه‌های مختلف برای حل مساله جدید.
- ۳) **بسط:** توانایی توجه به جزئیات در حین انجام یک فعالیت.
- ۴) **اصالت و ابتکار:** توانایی تفکر به شیوه غیرمتداول و خلاف عادت رایج.

خلاقیت را می‌توان تضعیف نمود، نابود کرد یا آن را رشد داد، پس لازم است موانع و نابود کننده‌های خلاقیت و عوامل تقویت‌کننده آن را بصورت دقیق‌تری مورد بررسی قرار داد. زمانی که بچه‌ها را تشویق می‌کنیم به جای بیان عقاید خود از نظرات دیگران تقلید کنند، به جای بازخورد کار تنها به کار نمره می‌دهیم، نظم و ترتیب را به جای کارهای پرمعنی تحسین می‌کنیم، اصرار می‌کنیم بچه‌ها واقع‌گرا باشند و برای انجام کارها تنها یک راه درست و منطقی ارائه دهند، دانش‌آموزان را با یکدیگر مقایسه کنیم و به کنجکاوای آن‌ها توجهی نکنیم و در مدرسه تاکید زیادی به ارزیابی داشته باشیم، در حال نابودی خلاقیت هستیم. در مجموع موانع رشد خلاقیت را می‌توان به موانع شناختی، عاطفی و اجتماعی تقسیم نمود.

## موانع شناختی شامل:

- **عادت:** عادت موجب می‌شود انسان تنها در یک چهارچوب خاصی قرار گیرد و کارهایش را طبق دستورالعمل معینی انجام دهد، پس امکان یافتن راه‌حل‌های جدید کم می‌شود.
- **عدم انعطاف پذیری:** عدم انعطاف پذیری فرد را در قالب فکری معینی قرار می‌دهد و سبب می‌شود قادر به اندیشیدن در جهات مختلف مساله نباشد.



- **رویکردانی از ابهامات:** هرگاه فرد احساس کند که قادر به مواجهه با موقعیت‌های مبهم نیست، از آن استقبال نکرده و فرصت برای مقابله با افکار خلاق را از دست می‌دهد.
- **اتکا بر مفروضات:** افراد معمولاً در حل مسائل، مرزها و محدودیت‌های خاصی را فرض می‌کنند که مانع خلاقیت می‌شود.

**مفهومی که از خلاقیت به ذهن می‌رسد «ایده‌های نو و تازه» است، اما هرچیز نو نمی‌تواند خلاق باشد. پس در اغلب تعاریف خلاقیت، ارزشمندی و مناسب بودن نیز مورد توجه قرار می‌گیرد**

- **تفکر منفی:** تفکر منفی نسبت به خود و دیگران ممکن است به صورت احساس ناتوانی، کم‌ارزشی، بدبینی و ناامیدی ظهور کند که مانع جدی در تفکر خلاق است. مثلاً در بسیاری از مواقع که ایده‌ای می‌تواند به طرحی خلاق تبدیل شود، فرد به خود نهیب می‌زند که بچگانه است، احمقانه است، مسخره است و...

## موانع عاطفی شامل:

- **ترس از شکست و اشتباه:** ترس از شکست باعث می‌شود که انسان به‌دنبال اموری برود که احتمال موفقیت در آن بالا است، درحالی‌که خلاقیت مستلزم داشتن قدرت ریسک‌پذیری بالا است.
- **عدم اعتمادبه‌نفس:** در بسیاری از مواقع افراد از توانایی زیادی برخوردارند، اما عدم اعتمادبه‌نفس مانع بروز خلاقیت می‌شود. برخی موانع اساسی رشد خلاقیت، کم‌رویی، زودرنجی و اولویت دادن به نظر دیگران ناشی از عدم اعتمادبه‌نفس است.

## موانع اجتماعی شامل:

- **هم‌رنگ جماعت شدن:** مطابقت به علت نگرانی از متفاوت بودن نسبت به دیگران و تنها ماندن رخ می‌دهد و مانع روش‌های تازه می‌شود.
- **سنت‌ها:** وجود بعضی از سنت‌ها و پایبندی بیش از حد به آن‌ها نیز مانع بروز خلاقیت می‌شود.